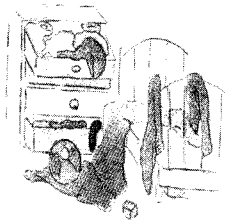


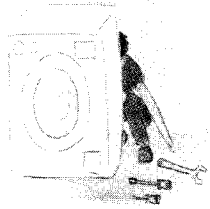
مشکل های روزمره

در خانه



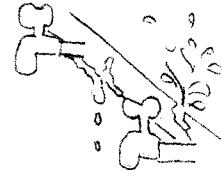
چقدر اتاق به هم ریخته است، زود باید این جا را مرتب کنیم.

گل ها خشک شده اند. حتماً به آنها آب نداده ای؟



ماشین لباس شویی کار نمی کند. باید تعمیرکار بیاوریم.

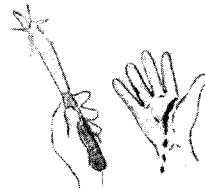
لوله ی آب ترکیده است. باید لوله کش بیاوریم.



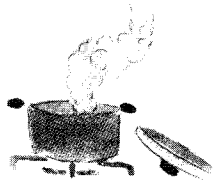
لیوان از دستم افتاد و شکست.



عجب چاقوی تیزی! انگشتم را با آن بریدم.



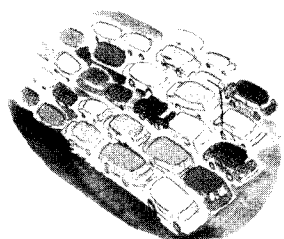
غذا سوخت! حالا چه کار کنم؟



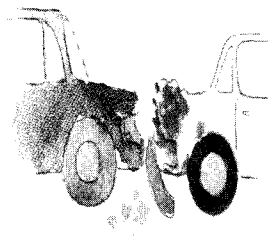
یک روز پرماجرا (۱)

ساسان هیچ وقت آن روز عجیب را فراموش نمی کند. او ساعت را برای هفت صبح کوک کرده بود، اما باتری آن تمام شد و ساعت دقیقاً رأس شش و پنجاه و نه دقیقه خوابید و زنگ نزد. ساسان یک دفعه ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه از خواب پرید. به سرعت لباس هایش را پوشید، اما یکی از دکمه های پیراهنش افتاده بود. بنابراین مجبور شد دکمه اش را بدوزد. به هر ترتیب، ساسان از خانه بیرون آمد و سوار تاکسی شد، اما هنوز به اداره نرسیده بود که تاکسی با اتومبیل دیگری تصادف کرد. ساسان بقیه ی راه را پیاده رفت.

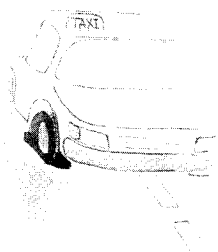
در خیابان



ماشین‌ها در راه‌بندان گیر کرده‌اند.



دو ماشین با هم تصادف کرده‌اند.



تاکسی در بین راه پنجره شد.



زمین لیز بود، سر خوردم.



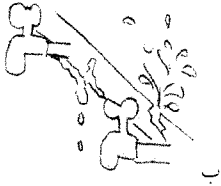
ماشین خراب شده است. باید تعمیر کار بیاید.

یک روز پرماجر (۲)

ساسان ساعت ده و سی و پنج دقیقه به اداره رسید. خواست دکمه‌ی آسانسور را بزند که نگهبان اداره جلو آمد و گفت: «امروز باید تا طبقه‌ی هفتم پیاده بروید چون آسانسور خراب است.» ساسان نفس‌زنان وارد اتاق شد. وقتی می‌خواست در را ببندد، انگشتش لای در ماند. در حالی که انگشتانش درد می‌کرد، آمد و کامپیوتر را روشن کرد. اما کامپیوتر چند تا بوق زد و ناگهان خاموش شد. تلفن را برداشت تا از مهندس کامپیوتر کمک بخواهد. عجب! تلفن هم قطع بود. در این هنگام ساسان لبخندی زد. در اتاق را قفل کرد، چند ورق روزنامه روی زمین پهن کرد، روی روزنامه‌ها دراز کشید و همان جا خوابید تا بیشتر از این گرفتار نشود.

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. کامپیوترکار نمی‌کند. حتماً خاموش است.



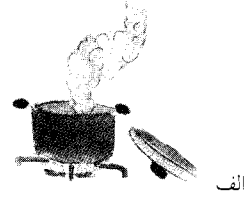
ب

۲. دو ماشین با هم تصادف کردند.

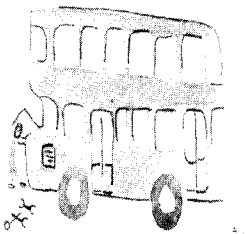
۳. اتوبوس خراب است.

۴. لوله‌ی آب ترکیده است.

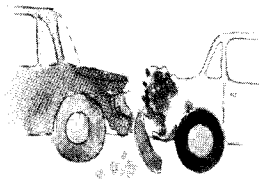
۵. غذا سوخت!



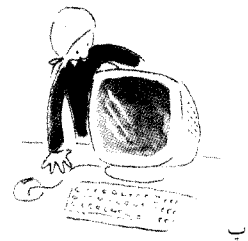
الف



ت



ت



پ

در جاهای خالی به کمک تصویرها فعل مناسب را بنویسید.

۱. دکمه‌ی پیراهن ساسان

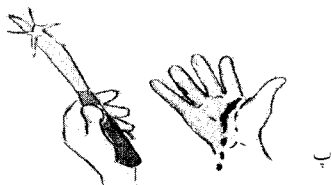


الف



ب

۲. ماشین وسط خیابان



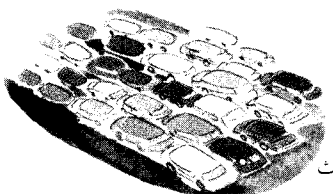
پ

۳. مریم دستش را با چاقو



ت

۴. تاکسی وسط خیابان



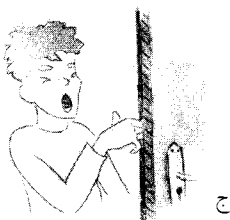
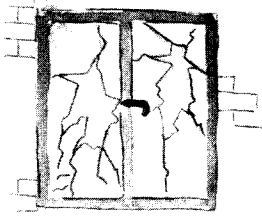
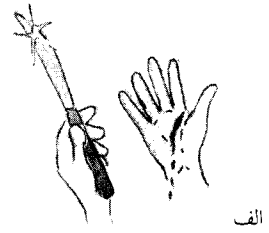
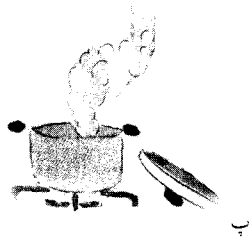
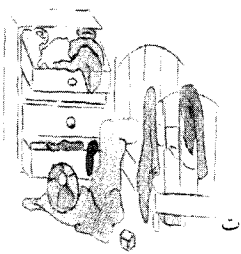
ت

۵. ماشین‌ها در راه‌بندان

جمله‌های مربوط به یک دیگر را با یک خط به هم وصل کنید.

- الف. همه‌ی آن‌ها خشک شده‌اند
ب. که دستم را بریدم
پ. غذا سوخت
ت. اما تلفن قطع بود
ث. چون در راه‌بندان گیر کرده بودم
ج. مثل این که در راه‌بندان گیر کرده‌است
۱. پدرم هنوز به خانه نرسیده است
۲. شعله‌ی اجاق زیاد بود
۳. امروز صبح دیر به اداره رسیدم
۴. چاقو آن قدر تیز بود
۵. یادم رفته به گل‌ها آب بدهم
۶. خواستم به دوستم تلفن کنم

برای هر یک از این تصویرها یک جمله بنویسید.



- الف.....
ب.....
پ.....
ت.....
ث.....
ج.....